

یعنی اگر ضدانقلابیون خارج از کشور دارای قدرت لازم برای مقابله با جمهوری اسلامی بودند، می توانستند توجه آمریکا را به خود جلب کنند. اما در شرایط کنونی که فقط چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، آمریکا خود را با انبوه مردم مسلمانی مواجه می بیند که به رهبری امام امت، با هر گروه یا فردی که بخواهد علیه انقلاب قدمی بردارد، مقابله خواهند کرد. لذا هرگونه اقدام سریع علیه انقلاب را موفق نمی داند و اقدامات نظامی یا سیاسی حاد را در کوتاه مدت غیرممکن می بیند و ترجیح می دهد، به طرح نقشه برای درازمدت بپردازد:

«اگر همان طور که ما نتیجه گرفته ایم، در حال حاضر هیچ گروه یا فردی خارج از ایران قدرت آن را ندارد که به نحو مؤثری در حوادث ایران نفوذ داشته باشد (یعنی حکومت را سرنگون کند)، پس بهتر است در موارد زیر کوشش کنیم:

- معتدل کردن سیاست های رژیم کنونی و کمک به پیشبرد روش های عملی (پراگماتیسم)؛
- سازش و بازسازی اقتصادی...؛
- کمک به حفظ و تقویت عناصری در ایران به ویژه در میان گروه های نظامی، مذهبی میانه رو و غیرمذهبی که ممکن است در آینده، با روشن شدن صحنه سیاسی نقش سودمندی ایفا کنند؛

ما امیدواریم، متفقین با ما هم عقیده باشند که همه ما باید آنچه از دستمان برمی آید، برای تقویت نظامیان ایران که در آینده ممکن است یک گروه کلیدی باشند، انجام دهیم. ما میل داریم با متفقین قبل از این تحولات تماس نزدیک داشته باشیم، تا مطمئن شویم که نظامیان ایران پشتیبانی لازم را دریافت می کنند» (سند شماره ۷).

یعنی هرچند آمریکا از برقراری روابط دوستانه دم می زند و می کوشد بدین وسیله موضع ایران را در برابر خود به اعتدال بکشد، اما از راه حل نظامی برای تغییر اوضاع ایران نیز غافل نیست. سعی دارد تا آنجا که ممکن است، بافت سابق ارتش تغییر نکند و وابستگی اش قطع نشود. مسلم است در توجیهش به ارتش، به همان قشر وابسته ای امید داشت که در زمان شاه پرورش داده بود و بارها وفاداری خود را به آمریکا ثابت کرده بودند.

به هر حال، آمریکا از زمان پیروزی انقلاب تا اشغال سفارت، این گونه که اسناد حکایت می کنند، روش ها و شیوه های گوناگونی را در پیش می گیرد تا بلکه منافع از دست رفته را دوباره باز یابد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، هر چند رژیم شاه سرنگون شد و جمهوری اسلامی استقرار یافت، اما حامی رژیم پهلوی در ایران، یعنی آمریکا، هنوز در پی منافع خود بود. آن ها می کوشیدند، منافع خود را در ایران دوباره به دست آورند: «منافع ما در دسترسی مداوم به نفت ایران، باید توسط توانایی دولت جدید در برقراری نظم در چاه های نفت و احتیاج آن دولت به درآمد، حفظ شود. منافع ما باید از این طریق که ایران درآمد نفتش را در آمریکا خرج کند، بهبود یابد (و ما نباید با بی توجهی این منافع را از دست بدهیم)» (سند شماره ۱۵).

با اخراج شاه و اطرافیان، آمریکا دیگر نمی توانست با همان روش های سابق قدم پیش بگذارد. پیروزی سریع انقلاب نیز باعث شد، نتواند در ایران بعد از انقلاب به طرح نقشه های بپردازد که کاملاً با منافع سازگار باشد. لذا تصمیم گرفت تا مدتی کوتاه سکوتی نسبی اختیار کند و در سایه این سکوت، هم در خفا به اقداماتی علیه جمهوری اسلامی دست بزند، و هم اوضاع را بهتر بررسی کند:

«سیاست ایالات متحده: در این شرایط مغشوش و نامطمئن، موضع ما به صورت مخفیانه آماده بودن برای اقدام و پاسخ گویی به فرصت ها برای محکم کردن اعتبارمان در مقابل دولت موقت ایران است» (سند شماره ۱۶).

از این رو، آمریکا به یک سلسله فعالیت های سیاسی و تبلیغی دست می زند تا با این راه، فشار افکار عمومی علیه آمریکا کم کند و زمینه را برای فعالیت نیروهایی که امیدهای آن در بلندمدت محسوب می شدند، فراهم کند: «دوام انقلاب از قطعیت دور است، ولی بعضی از بیانیه های مثبت از جانب ما در مورد درک دوره انتقال، مشکلی که ایران از آن می گذرد، می تواند موقعیت میانه رویایی را که خواهان روابط خوب با ما هستند، بهتر کنند...»

آن ها که برای اجرای طرح های خود به محیطی دارای ثبات سیاسی و اجتماعی احتیاج دارند، آماده اند با هر گروه صاحب قدرتی ارتباط برقرار کنند تا بتوانند با تکیه بر قدرتشان در برابر انقلاب قد علم کنند و در صورت امکان، بر سر کار بیایند و قدرت را در دست بگیرند. حتی گروه های فراری و ضدانقلابیون خارج از کشور نیز مورد عنایت آن ها هستند: «رو آمدن شاپور بختیار در پاریس و شایعات مداوم درباره چند نفر مهاجر ایرانی که فعالانه برای برانداختن رژیم اسلامی آیت الله خمینی سرگرم توطئه هستند، ما را امیدوار می کند که این مهاجران سیاسی راه حلی برای تغییر اوضاع ایران که به نظر ایالات متحده ناخوشایند است، بیابند. به هر صورت، آمریکایی ها به راحتی می توانند با بختیار که به روانی به یک زبان غربی آن هم درباره آزادی فردی صحبت می کند، کنار بیایند» (سند شماره ۱۷) البته آن ها از بی کفایتی این فراریان آگاه هستند و خودشان در سند دیگری به آن اعتراف می کنند: «این ها اگر توانایی انجام کاری را داشتند، می ماندند و انجام می دادند... به نظر ما خطایی جدی خواهد بود اگر به ادعای تبعیدی ها درباره اینکه آن ها کلید اصلاحات ایران را در دست دارند، ترتیب اثر بدهیم. زیرا این اشخاص، به غیر از طبقه بسیار کوچک محدود خود، از هیچ گونه پشتیبانی در ایران برخوردار نیستند. علاوه بر این، این ها فاقد وسایل اعمال قدرت برای سرنگون کردن نظام کنونی هستند.»

منبع

جلد ۱۶ اسناد لانه جاسوسی

۳ دی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: در صورت نپذیرفتن شرایط ایران، گروگان‌ها باید محاکمه شوند (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۳).

۶ دی، آیت‌الله خامنه‌ای: آمریکا می‌خواهد حملاتی را مثل حمله به طیس انجام دهد که ان‌شاءالله شکست خواهد خورد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۶).

۹ دی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: آمریکا در بن‌بست قرار گرفته است: از یک طرف اگر تسلیم ایران بشود و اموال ایران را پس بدهد، عده زیادی از نوکرانش مایوس می‌شوند؛ هم از جهت آینده خودشان و هم از جهت اموال. دیگر اموال نامشروع به آمریکا نمی‌رود. از طرف دیگر اگر به همین روش غیرقانونی‌اش ادامه بدهد و اموال یک کشور را بایکوت کند و نگه دارد و همان‌جور تحت تصرف خود بگیرد، اعتبار مالی آمریکا در آینده کم می‌شود. زیرا دیگر کشورها جرئت نمی‌کنند اموال خود را در آمریکا ذخیره کنند. بدتر از سردمداران آمریکا در تاریخ کمتر پیدا می‌شود (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۹).

۱۱ دی، آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور: محاکمه گروگان‌ها طبق قانون انجام خواهد شد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۱۱).

۱۶ دی، سخنگوی کاخ سفید: اگر گروگان‌ها محاکمه شوند، ما دست به اقدام خواهیم زد (کیهان، ۵۹/۱۰/۱۶).

۲۲ دی: دو لایحه دوفوریتی در مورد حل مسئله گروگان‌ها از سوی دولت به مجلس تقدیم شد. این دو لایحه در مورد اختیارات دولت در حل دعای ایران و آمریکا از طریق دادگاه مرضی‌الطرفین و ملی شدن اموال شاه و نزدیکانش بود. پس از آن چنین اعلام شد که برای حل مسئله گروگان‌ها، مجلس اختیارات تازه‌ای به دولت می‌دهد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۲).

۲۲ دی، ریگان، رئیس جمهوری آمریکا: رابطه با ایران وقتی ممکن است که افراد میانه‌روتری در این کشور روی کار بیایند (کیهان، ۵۹/۱۰/۲۲).

۲۳ دی، رجایی، نخست‌وزیر: مسئله گروگان‌ها در حال پیشرفت است (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۳).

۲۷ دی: آخرین پاسخ آمریکا ساعت ۱۲ شب گذشته تسلیم دولت ایران شد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۷).

۲۷ دی، بهزاد نبوی: آمریکا متعهد شده است، کلیه سپرده‌های ایران را که براساس حکم رئیس جمهور آمریکا در بانک‌های آمریکایی و شعب اروپایی آن‌ها توقیف شده‌اند، قبل از آزادی گروگان‌ها به حساب بانک مرکزی کشور ثالث واریز کند (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۹).

۲۸ دی: دولت ایران آخرین پیشنهاد آمریکا را بررسی کرد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۸).

۲۸ دی: شایعه آزادی گروگان‌ها به شدت تکذیب شد (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۸).

۲۹ دی، بهزاد نبوی: آمریکا برخلاف میل باطنی خود، در برابر موضع قاطع ما و فشار افکار عمومی دنیا ناچار شد با شرایط ایران موافقت کند (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۲۹).

۳۰ دی: آمریکا آزادی گروگان‌ها را با افزودن تبصره‌ای خارج از قرارداد الجزایر به تعویق انداخت (اطلاعات، ۵۹/۱۰/۳۰).

۳۰ دی: گروگان‌ها از فرودگاه مهرآباد مجدداً به بازداشتگاه منتقل شدند (کیهان، ۵۹/۱۰/۳۰).